هفت حصار شماره سوم/ سال اول/ بهار ۱۳۹۳
صفحات ۲۴-۱۵

بررسی اثربخشی تسهیلات مالی خرد در توانمندسازی روستاییان با تاکید بر جنبه های اجتماعی

عبدالرضا رحمانی فضلی *، یونس کاویانی **

تاریخ دریافت مقـاله: ۹۱/۸/۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۱۵

چکیده

این مقاله تأثیرات اجتماعی تسهیلات مالی خرد به عنوان آگاهی اجتماعی سرمایه محور و رهیافتی برای رفع نابرابری و توسعه اقتصادی جوامع در چارچوب استراتژی‌های بهبود و الگوی اصلاح‌گرانه با تأکید بر جنبه انتقالی در سطح ۵۹ روستای استان آذربایجان‌غربی را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به اهمیت شفاف‌سازی مبانی نظری موضوع بخشی از مقاله به طور خاص به پیشینه و مبانی نظری موضوع اختصاص داده شده است. در پژوهش صورت گرفته وجود انعطاف لازم به منظور برانگیختن توان‌ها، توانمندسازی و ایجاد تحرک اجتماعی جهت احیای نقش اجتماعات محلی را می‌توان علت اصلی موفقیت این ایده پیشرو در مباحث توسعه روستایی برشمرد. نتایج تحلیل آماری گویای تأثیرات متفاوت تسهیلات مالی بر روی شاخص اجتماعی در سه ناحیه مورد بررسی می‌باشد.

واژگان کلیدی

تسهیلات مالی خرد، روستاییان، توانمندسازی.

* عضو هیئت علمی، دانشگاه شهید بهشتی Email: Rahmanifazi@dmk.ir
** دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی Email: kavyani.younes@gmail.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1225602.1392.1.3.2.2]

طرح مسئله

پس از جنگ جهانی دوم نظریه‌های متفاوتی در خصوص توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم مطرح گردید که بخشی از این نظریات معطوف به مسائل تأمین مالی بود. با توسعه این نظریات، یکی از گزینه‌های مطرح شده برای رفع محرومیت در نواحی روستایی ارائه حمایت‌های دولتی بود که به صورت واگذاری اعتبارات، پرداخت یارانه به گروه‌های کم‌درآمد و بیرون راندن منابع مالی غیررسمی از بازار روستایی تعریف شده بود. این فعالیت‌ها بیشتر از طریق تصحیح جریان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی صورت می‌گرفتند. مجموعه این عوامل به تدریج باعث شد که از دهه‌های پایانی قرن بیستم با جدیت بیشتری نقش ابزارهای مالی به عنوان یکی از کاتالیزورهای توانمندسازی در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار بگیرد(Pishcke, 1991, 12-16).

به علت مشکلات سرمایه‌گذاری و ریسک بالای بازگشت سرمایه نظام بانکداری سنتی عموماً از حضور در این عرصه خودداری می‌کند. بازتاب این مسئله حضور سازمان‌های غیردولتی و مؤسسات محلی است که یکی از مطرح‌ترین آن‌ها گرامین بانک در بنگلادش است. این بانک باعث افزایش علائق سازمان‌های بین‌المللی، UNDP و سازمان‌های غیردولتی به حضور در عرصه‌های اقتصاد روستایی شده است؛ به طوری که هم‌اکنون فقراء به عنوان یک ثروت اعتباری مطرح هستند(Morduch, 1999, 15). تغییر در دیدگاه‌های مرسوم و چرخش آن به سوی شیوه‌های جدید واگذاری اعتبارات روستایی برآیند کلی عوامل محسوب می‌گردد. به طور خلاصه می‌توان علت اصلی توجه به برنامه‌های جدید توسعه نواحی روستایی (برنامه‌های واگذاری تسهیلات مالی خرد و سایر خدمات مالی) را در وجود انعطاف لازم به منظور برانگیختن توان‌ها، افزایش ظرفیت‌ها، ایجاد تحرک اجتماعی جهت احیای نقش اجتماعات محلی و در نهایت توانمندسازی آنان در راستای نیل به توسعه ملی بیان کرد.

در ایران نیز شرایطی مشابه را می‌توان ردیابی نمود. نگاه به شرایط بازار مالی روستایی بیانگر این است که هم‌اکنون حدود ۱۴درصد تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی می‌باشد و ۲۳ درصد شاغلان کشور در این بخش مشغول به فعالیت هستند. در حالی که نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی کشور در بخش کشاورزی کاهش پذیرفته است. این نسبت برای بخش‌های خدمات و صنعت به ترتیب ۲۴/۶ و ۱۵/۴درصد و برای بخش کشاورزی ۳/۹ درصد برآورد شده است. با این وجود پتانسیل‌های بخش کشاورزی توان پذیرش سهم بیشتری از سرمایه‌گذاری کشور را دارا می‌باشد و افزایش سرمایه‌گذاری، حمایت‌ها، اعتبارات عمرانی و غیره تنها در صورت ایجاد یک روند توسعه‌ای و توجه به توسعه روستایی نتیجه‌بخش خواهد بود. ایجاد چنین بستر توسعه‌ای به معنای تأکید بیش از حد بر بخش کشاورزی نیست، بلکه به معنی ایجاد تعاملی پویا میان بخش‌های مولد اقتصادی برای تضمین و تداوم رشد و توسعه اقتصادی کشور است. همچنین با توجه به این‌که بیش‌تر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی موجب توسعه روستایی می‌گردد و توجه به این مشکل از طریق استفاده از راهکارهای تأمین مالی در بخش کشاورزی مورد نظر است.

با این مقدمه، تاثیرات اجتماعی تسهیلات مالی خرد به عنوان آگاهی اجتماعی سرمایه محور[1] و رهیافتی برای رفع نابرابری و توسعه اقتصادی جوامع در چارچوب راهبردهای بهبود و الگوی رفورمیستی با تأکید بر جنبه‌ی انتقالی در سطح ۵۹ روستای استان آذربایجان غربی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که چگونگی اثربخشی اعتبارت واگذار شده در بخش اجتماعی، به اثربخشی تسهیلات مالی خرد در توانمندی روستائیان منجر می‌گردد و بنابراین هدف ارائه الگوی بهینه‌ی کاربست اعتبارات در راستای توانمندسازی روستاییان را مدنظر دارد.

روش پژوهش و جامعه آماری مورد بررسی

به لحاظ روش، این پژوهش با استفاده از روش پژوهشی قیاسی – که به نام‌های روش فرضی– قیاسی یا ابطال‌گرایی نیز خوانده می‌شود، برای اولین بار توسط کارل ریموند پوپر مطرح شده – به انجام رسیده است(آسایش، ۱۳۸۱، ۵۹)، بنابراین پس از بررسی موضوع به صورت کلی و طرح مسئله، جایگاه موضوع در نظام فکری و نظریات اندیشمندان مختلف تعیین شده است. پس از بیان فرض اولیه که به صورت فرضیه مثبت می‌باشد، مجموعه‌ای از داده‌ها برای آزمون فرضیه در محدوده افق انتظارات جمع‌آوری شده و سعی پژوهشگر در بیان میزان انطباق داده‌ها با فرضیه‌ی پژوهشی می‌باشد.

با توجه به این‌که بررسی سوال‌های پژوهش مستلزم ۲ روش آمار توصیفی و تحلیلی می‌باشد، در بخش تحلیل توصیفی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده و به صورت اشکال توصیفی نتایج نشان داده شده است. در ارتباط با سوال‌هایی که نیاز به تحلیل آماری پیشرفته داشته‌اند، پس از بازسازی داده‌های حاصل از پرسشگری در محیط Excel در مرحل دوم جداول به محیط SPSS منتقل شده‌اند.

1- social consciousness-driven capitalism

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1392.1.3.2.2]

دیدگاه نظری

حوزه‌ی مطالعات روستایی در حال حاضر با دشورای گسترده‌ای در خصوص نظریه‌هایی با پایه بنیادین فرهنگی و تمدنی که از میراث مطالعات جغرافیایی استخراج شده باشد روبرو است و به علت عدم توانایی گرته‌برداری در علوم انسانی آفرینش نظریه خلاقانه بومی در این زمینه همواره با مشکل روبرو بوده است. صرف نظر از تعداد محدودی اندیشمند، عدم وجود تخصص کافی در این زمینه و فقدان پیدایش فضای فکری لازم برای پیاده‌سازی نظریات موازی از مشکلات اصلی در این زمینه می‌باشند. شرایط متغیر جهانی و پویای مسائل حوزه گرایشات دانش جغرافیا به ویژه برنامه‌ریزی روستایی نیز فضای اعمال در این خصوص را محدودتر کرده است. بنابراین علیرغم تلاش‌های ارزشمندی که در حوزه مسائل کالبدی- فضایی و خدمات‌رسانی به روستاها انجام گرفته است، مبانی فکری دانش برنامه‌ریزی روستایی در زمینه‌ی مباحث مالی روستایی هنوز به مرحله بهینه عملکردی خود نرسیده است. اگر چه این امر منافی پیشرفت در علوم و آموزش نظریات متفاوت توسعه روستایی نمی‌باشد، اما گویای لزوم جهش فکری و حرکت به سوی مباحث جدید و کاربردی در این حوزه است. در این بخش، اعتبارات خرد به عنوان آگاهی اجتماعی سرمایه محور و رهیافتی برای رفع نابرابری و توسعه اقتصادی جوامع در حال توسعه و نیز جایگاه آن در میان راهبردهای توسعه مشخص و در چارچوب فلسفه سیاسی و اخلاق نیز تشریح می‌گردد. سپس، لزوم حرکت از اصول کارکردی به اصول عدالت لیبرالی در چارچوب تئوری عدالت توجیه می‌گردد و مبانی این بحث به عنوان یکی از حقوق اولیه انسان‌ها در کشورهای در حال توسعه بیان می‌گردد.

عدم ورود مباحث مالی به حوزه برنامه‌ریزی روستایی، رسیدن به وضوح مناسب در خصوص مباحث اولیه، نتایج مورد نظر، اتخاذ سیاست‌های دقیق، چگونگی فرموله‌سازی و طراحی متدولوژی مناسب را با مشکل مواجه ساخته است. اگرچه تعیین شاخص یک قرض به عنوان تسهیلات مالی خرد با توجه به چارچوب‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جوامع متفاوت خواهد بود، ولی در هر صورت قابل فهم بودن آن، تطابق آن با شرایط محلی جوامع و انطباق آن با یک سری از ملاک‌های اصلی باید همواره لحاظ گردد. پس شفاف‌سازی مفاهیم اعتباری به منظور ایجاد یک دیدگاه مشترک و پایانی برای آشفتگی معانی این مفهوم و رعایت صحیح کاربرد در متون علمی با توجه به معانی گسترده آن یکی از ضرورت‌ها به شمار می‌آید. بنابراین در این بخش سعی می‌گردد، مفاهیم کلیدی این موضوع شفاف‌سازی شده و علاوه بر این‌که درک صحیحی از موضوعات بیان شده به دست دهد، مقدمه‌ای برای پژوهش‌های آتی در این عرصه گردد. این امیدواری وجود دارد که این تئوری بتواند گویای تبیین نظام‌مندی از رابطه مباحث مالی با عدالت اجتماعی و توسعه روستایی باشد. در این خصوص ایده کلی بیان شده تا حدودی ساده شده است به طوری که در تبیین مسئله مفید واقع شود و مناسب‌ترین پایگاه اخلاقی را برای جامعه اسلامی در این مقوله فراهم آورد. واقعیت این است که نه تنها نظام موجود پرداخت اعتبارات خرد فاقد مبانی نظری و علمی است، بلکه اغلب مطالعاتی که به منظور اصلاح این نظام صورت گرفته‌اند فاقد این خصیصه می‌باشند. فقدان مبانی نظری پیامدهای منفی را به بار آورده است که کاهش کارایی مدیریتی در اقتصاد روستایی و بی‌ثباتی نظام اقتصادی به عنوان عرضه‌کننده خدمات مالی برای روستاییان از آن جمله است. هر چند در عمل نظام پرداخت اعتبارات روستایی چه در کشورهای پیشرفته صنعتی و چه در کشورهای درحال توسعه از وضعیت آرمانی که در نظریه‌های اقتصادی مطرح می‌شود فاصله دارد، اما باید توجه داشت که این وضع به طور عمده ناشی از آن است که تصمیمات مربوط به برنامه‌ریزی و اجرای آن در چارچوب فرایندی سیاسی-اداری اتخاذ می‌شود. این وضع در هر حال منافی اعتبار نظریه‌های علمی نیست و این نظریه‌ها مانند چراغ، فاصله وضع موجود از وضع مطلوب را نمایان می‌سازند. با وجود تمامی چالش‌های نظری مرتبط با این موضوع، اعطای هدفمند تسهیلات مالی به عنوان استراتژی موفق در زمینه‌ی فقرزدایی شناخته با درجات مختلفی از کارایی توسط کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. به طوری که در سال ۲۰۰۰م حدود ۱۵۸۰ مؤسسه‌ی ارائه تسهیلات مالی خرد با ۳۰ میلیون نفر عضو در جهان به ثبت رسیده‌اند که ۱۹ میلیون نفر از آنان را فقیرترین اقشار جوامع تشکیل داده است(Daley Harris, 2002, 13). موفقیت‌هایی که در نتیجه اجرای این برنامه به دست آمده سبب تخصصی شدن نظام اعتبارات خرد شده است، به طوری که سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، اتحادیه‌های اعتباری، واسطه‌های مالی غیربانکی و بانک‌های تجاری به عنوان مؤسسات تأمین‌کننده منابع مالی و سرویس‌های متنوع اعتباری شناخته شده‌اند و در این زمینه فعالیت می‌نمایند. فلسفه‌ی اصلی این ایده فقرزدایی از طریق بکارگیری سرمایه‌های کوچک و ایجاد اشتغال با رویکرد مشارکتی است که دخالت دولتی در آن به حداقل کاهش می‌یابد. اعتماد به توانایی‌های افراد و به فعلیت درآوردن پتانسیل‌های آن‌ها، اصل محوری مباحث اعتبارات خرد محسوب می‌شود. بنابراین در این ایده باور بر این است که این فقدان مهارت نیست که باعث شده آن‌ها فقیر بمانند بلکه شرایط اقتصادی حاکم به عنوان عامل اصلی، منجر به ایجاد شرایطی شده است که آنان را به حاشیه رانده است(Yunus, 2003). در جهت تعدیل این وضعیت، سیستم مالی باید به گونه‌ای تنظیم شود که از طریق در اختیار گذاشتن تسهیلات مالی لازم پتانسیل‌های آنان را به فعلیت درآورد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1225602.1392.1.3.2.2]

اعتبارات خرد به عنوان ابزار مؤثری در جهت توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی، در چارچوب مباحث کلی مالی و اعتباری بر مبنای اصول چندگانه‌ای قرار دارند. این اعتبارات بر ۴ رکن اصلی افزایش ظرفیت اعتبارگیرندگان، ایجاد اشتغال، اعتمادسازی بین افراد با یکدیگر و توجه به گروه‌های خاص تأکید دارند و به گروه‌هایی تعلق می‌گیرد که از طریق ایجاد نوآوری در سرویس‌های مالی تحت لوای تأمین مالی خرد مشارکت داشته‌اند. در این چارچوب اعتبارات خرد و سایر تسهیلات مالی روستایی، به عنوان یک نوآوری به منظور به گردش درآوردن چرخه‌ی اقتصاد روستاهای کشورهای در حال توسعه به کار گرفته می‌شوند. ارائه این تسهیلات فرصت مناسبی برای افراد فقیری است که فاقد اشتغال هستند و تحت تأثیر مجموعه مسائلی مانند فقدان وثیقه اشتغال پایدار (درآمد) و پیشینه‌ی نامناسب از دریافت اعتبارات محروم مانده‌اند. با اعطای تسهیلات مالی به این افراد، قدرت انتخاب آن‌ها افزایش یافته و ریسک آنان کاهش یافته، همچنین آنان را قادر ساخته تا خوداشتغالی کرده به درآمدی پایدار، امنیت غذایی و ایجاد زمینه‌های مناسب رشد و اعتلای سرمایه‌های اجتماعی (آموزش فرزندان) دست یابند و در نهایت از چرخه‌ی فقر خارج شوند. این امر به خصوص در ارتباط با زنان که از گروه‌های آسیب‌پذیر به شمار می‌آیند بیشتر حائز اهمیت است(Sapovadia, 2006, 13-22).

بنابراین اعتبارات خرد به عنوان رویکرد جدید برای رفع نابرابری و توسعه اقتصادی، در چارچوب دیدگاه آگاهی اجتماعی سرمایه محور تعریف می‌شود. این رویکرد به ۳ حوزه اخلاقیات، اقتصاد و جامعه‌شناسی منتهی می‌گردد. در مقوله اخلاقیات و در چارچوب نظری تئوری عدالت به بارزترین وجه لزوم حرکت از اصول کارکردی به اصول عدالت لیبرالی را مدنظر قرار داده است و مسئله‌ی دسترسی همگان به ویژه افراد محروم به اعتبارات را به عنوان یکی از حقوق اولیه‌ی انسان‌ها در کشورهای در حال توسعه مطرح کرده است. در برنامه‌ی دهه‌ی ۲۰۰۶-۱۹۹۷سازمان ملل متحد، برای نابودی فقر بر مسئله اعتبارات خرد به عنوان ابزاری مؤثر در جهت رهایی افراد از فقر و افزایش مشارکت آنان در جریان‌های کلان اقتصادی و روندهای سیاسی تأکید شده است(Jauqette, 2001, 14-26).

با توجه به این‌که این رویکرد، انجام تغییرات شتاب‌زده و سریع در حوزه برنامه‌ریزی را رد می‌نماید، لذا نگاه حاکم بر آن اغلب رفورمیستی می‌باشد و در چارچوب استراتژی‌های بهبود و الگوی رفورمیستی قرار می‌گیرد. در این فرایند توانمندسازی، بر جنبه‌ی انتقالی نسبت به انقلابی تأکید بیشتری می‌گردد. فرایند انتقالی اعتبارات خرد تأکید دارد که اعتبارات نه به عنوان یک حرکت اجتماعی سریع، بلکه به عنوان یک پتانسیل و عامل مکمل سایر حرکت‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که در یک دوره زمانی میان‌مدت نتایج آن قابل حصول خواهند بود. در این شرایط است که اعتبارات می‌توانند به عنوان یک عامل محرک اجتماعی نقش خود را ایفاء نمایند. در این فرایند با حصول کارایی و رشد توانایی‌های افراد که تضمین بیشتر بازگشت سرمایه را نیز در بر دارد، متناسب با افزایش توانایی مجدداً تسهیلات مالی بیشتری در دسترس فرد قرار خواهد گرفت و به تدریج از چرخه‌ی فقر خارج می‌گردد(Spooner, 1946, 25). در این فرایند با توجه به این‌که توانایی‌های فرد در زمینه خاصی شکوفا گردیده است، وابستگی دوسویه‌ای بین حرفه و زمینه‌ی سرمایه‌گذاری ایجاد می‌گردد که تضمین عدم چرخش سود ناشی از سرمایه را درپی دارد. با توجه به این که توزیع مجدد درآمد به نفع کسانی که از مواهب توسعه ملی برخوردار نبوده‌اند، افزایش درآمد فقرا چه درآمد دستمزدی و چه درآمد حاصل از خوداشتغالی، یکی از ویژگی‌های مثبت این فرایند محسوب می‌گردد. به لحاظ عملکردی و شیوه‌های واگذاری اعتبارات مدل بانکداری پیوندی که نمود آن در فعالیت‌های گرامین بانگ بنگلادش پیاده‌سازی و به مرحله اجرا رسیده است ملاک مقایسه و ارزیابی قرار گرفته است. این ایده که در بنگلادش توسعه یافت، اکنون به عنوان راهبرد شناخته‌شده‌ای در سطح جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد و علی‌رغم عدم اطمینان بانک‌ها به کاربرد آن، توانسته به نتایج مثبتی برسد. این مبحث پس از پیمان‌نامه اعتبارات خرد واشنگتن دی‌سی در فوریه ۱۹۹۷به عنوان ایده‌ی جهانی برای فقرزدایی شناخته شد. طبق پیمان سال ۲۰۰۴ میلادی در چارچوب توسعه هزاره مقرر گردید، تا سال ۲۰۱۵ میلادی ۱۰۰میلیون نفر از افراد فقیر در سطح جهان از طریق واگذاری اعتبارات خرد خوداشتغالی نموده و از چرخه‌ی فقر خارج شوند(Ahollis ,2005, 220-403).

در دهه‌ی اخیر، تسهیلات مالی خرد به عنوان یک مفهوم شناخته شده درآمده است و ایجاد سیستم‌های مالی فراگیر برای فقراء باعث به وجود آمدن مؤسسات ارائه تسهیلات مالی شده است. اعطای تسهیلات مالی خرد به روستاییان و اقشار فقیر و تشکیل سیستم بانکداری روستایی که تحولی اساسی در روابط سنتی واگذاری اعتبارات محسوب می‌شود، علاوه بر حفظ شأن انسانی روستاییان کم‌درآمد به عنوان عضوی از جامعه، باعث بهبود جریان مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی کشور شده است.(Jauqette, 2001, 14-26).

شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی

۱۳ شاخص به منظور بررسی تأثیر تسهیلات پرداختی در زمینه مسائل اجتماعی طراحی گردیده است و به منظور ایجاد امکان مقایسه نسبی بین نواحی در سه بخش شمالی، میانی و جنوبی استان توزیع و نتایج آن به تفکیک استخراج گردیده است.

- اطلاع حقوق خود در زمینه دریافت تسهیلات مالی،

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1392.1.3.2.2]

- نوع نگرش به تسهیلات مالی به عنوان یک حق خود،
- اطلاع از تصمیمات دولتی و مصوبات مجلس در ارتباط با مسائل مالی روستایی،
- منابع تأمین اطلاعات در خصوص مسائل مالی،
- شورای روستا/ روستاییان/ رسانه‌ها/ ادارات مرتبط/ بانک کشاورزی
- تمایل به ماندگاری[عدم مهاجرت] در صورت بهبود شرایط اقتصادی،
- مشارکت در کاربست مشترک تسهیلات دریافتی،
- مشارکت اقتصادی اعضای خانواده در فرایند بازپرداخت تسهیلات،
- اثربخشی تسهیلات دریافتی در بهبود تقویت سرمایه‌های انسانی،
- اثربخشی تسهیلات دریافتی در ارتقای مشارکت اقتصادی زنان،
- نقش زمینه‌ی همکاری‌های سنتی و بومی در تقویت مشارکت‌ها.
- میزان مشارکت دریافت‌کنندگان تسهیلات مالی در کاربست مشترک تسهیلات اخذ شده،
- مشارکت اجتماعی و ارزشمندی از تسهیلات مالی دریافتی،
- تأثیر تسهیلات مالی در افزایش مشارکت اقتصادی اعضای خانواده.

جدول ۱- روستاهای موردنظر در سه ناحیه مطالعاتی

بخش شمالی	بخش میانی	بخش جنوبی
نام روستاها	نام روستاها	نام روستاها
جلدیان، کولیج، گزگسک، سوغانلو، کوپر، الواتان، موسالان، دوله تو، کانی زرد، ورده، بیوران سفلی	شمس‌حاجیان، بند، خطایلو، قلعه اسماعیل آقا، علی آباد ، قره حسنلو، کوکیا هاشم اباد، به رازان، حلج، دیزج، راژان، بالانج ، قره‌اغاج، نازلو، شاهوانه، گندویلا، سه‌کانی، نلیوان، یادگارلو، داش‌درگه قارنا، حسنلو، حسین‌مامه، رحیم‌خان، اوچ تپه،ناچیت، داشند، دارلک، یوسف کندی، حاجی خوش، گوگ تپه، دریاز، زینال کندی، یقینعلی‌تپه، سوگلی‌تپه، خان کندی،گوگ تپه هالصه، حاجی حسن، حاجی بهزاد، کوخان	مغانجوق، درشک، میناس، مغول، آبگرم، ملحم، تمر

بررسی‌های آماری داده‌های مربوطه به شاخص‌های اجتماعی

نتایج آزمون آماری داده‌های استخراج شده حاکی از آن است که سطح مشارکت اجتماعی در خصوص تسهیلات و کاربست مشترک آن‌ها با Asymp. Sig. (2-tailed) = .009 در سه ناحیه مورد بررسی در حد قابل قبولی نمی‌باشد، با این وجود همان‌طور که در شکل ذیل مشاهده می‌گردد، مقایسه بین‌گروهی نشان می‌دهد که میزان مشارکت در نواحی جنوبی و شمالی استان نسبت به ناحیه میانی بیشتر است.

جدول ۲ - میزان معنی‌داری شاخص‌های اجتماعی در سه ناحیه مورد بررسی

بخش جنوبی			
Sig. (2-tailed)= .023	Mean=2.7460	Std.Deviation=1.09760	Std. Error Mean= .10976
بخش میانی			
Sig. (2-tailed)= .002a	Mean=2.6080	Std.Deviation=1.18131	Std. Error Mean=.0
بخش شمالی			
Sig. (2-tailed)= .008	Mean=2.6760	Std.Deviation =1.20228	Std. Error Mean=.12023

به نظر می‌رسد با توجه به این‌که سطح توسعه‌ی ناحیه میانی که بیشتر مشتمل بر روستاهای شهرستان ارومیه می‌باشد روستاییان این حوزه را بی‌نیاز از توسعه مشارکت‌های اجتماعی نموده است، حال این‌که در بخش‌های شمالی و جنوبی که سطح توسعه پایین‌تر است، توسعه مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یکی از اهرم‌های بقای زندگی مطرح می‌باشد. با توجه به زمینه‌ای اجتماعی، کاربست مشترک اعتبارات و کسب منافع جمعی در این نواحی واگذاری این اعتبارات می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تغییر شرایط نامطلوب اقتصادی روستاییان مطرح گردد.

جدول ۳ - نتایج تحلیل آماری شاخص‌های اجتماعی در بخش جنوبی استان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1225602.1392.1.3.2.2]

NPar Tests

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
		Ssocial
N		100
Normal Parameters[a]	Mean	2.7460
	Std. Deviation	1.09760
Most Extreme Differences	Absolute	.113
	Positive	.113
	Negative	-.112
Kolmogorov-Smirnov Z		1.129
Asymp. Sig. (2-tailed)		**.156**
a. Test distribution is Normal.		

T-Test

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
S social	100	2.7460	1.09760	.10976

One-Sample Test						
Test Value = 3						
					95% Confidence Interval of the Difference	
	T	df	**Sig. (2-tailed)**	Mean Difference	Lower	Upper
S social	-2.314	99	**.023**	-.25400	-.4718	-.0362

جدول ۴- نتایج تحلیل آماری شاخص‌های اجتماعی در بخش میانی استان

NPar Tests

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
		M
N		100
Normal Parameters[a]	Mean	2.6080
	Std. Deviation	1.18131
Most Extreme Differences	Absolute	.147
	Positive	.147
	Negative	-.087
Kolmogorov-Smirnov Z		1.468
Asymp. Sig. (2-tailed)		**.027**
a. Test distribution is Normal.		

NPar Tests

Binomial Test						
		Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	**Asymp. Sig. (2-tailed)**
M	Group 1	<= 3	66	.66	.50	**.002[a]**

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1392.1.3.2.2]

	Group 2	> 3	34	.34		
	Total		100	1.00		
a. Based on Z Approximation.						

جدول شماره ۵ – نتایج تحلیل آماری شاخص‌های اجتماعی در بخش شمالی استان

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
		N social
N		100
Normal Parameters[a]	Mean	2.6760
	Std. Deviation	1.20228
Most Extreme Differences	Absolute	.127
	Positive	.127
	Negative	-.089
Kolmogorov-Smirnov Z		1.269
Asymp. Sig. (2-tailed)		**.080**
a. Test distribution is Normal.		

T-Test

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
Nsocial	100	2.6760	1.20228	.12023

One-Sample Test						
	Test Value = 3					
	t	df	**Sig. (2-tailed)**	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
N social	-2.695	99	**.008**	-.32400	-.5626	-.0854

جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات اجتماعی

اولین مسئله‌ای که در بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی تسهیلات پرداخت شده مورد توجه قرار گرفته است، تناقض میان حق برخورداری از اعتبارات و آگاهی از تصمیمات مرتبط و وظایف سازمان‌ها در جامعه روستایی می‌باشد. بر اساس نتایج علی‌رغم این‌که بیش‌تر روستاییان دریافت تسهیلات مالی را به عنوان یک حق برای خود محسوب می‌نمایند، ولی از تصمیمات، برنامه‌ها و وظایف سازمان‌های مرتبط با این حوزه اطلاع کافی ندارند. در سال‌های اخیر با توجه به این‌که نقش شوراهای اسلامی تا حدود زیادی تبیین شده است و سازمان‌ها تعاملات مفیدی را با شوراهای اسلامی به انجام می‌رسانند، روستاییان عموماً از این طریق در جریان تصمیمات مرتبط قرار می‌گیرند.

نتایج بررسی‌ها در خصوص توسعه زمینه‌های مشارکتی گویای این است که با وجود این‌که مشارکت همواره به عنوان ابزاری مؤثر برای ادامه بقاء در مقابل تهدیدات انسانی و طبیعی به شمار آمده است از میزان مشارکت روستاییان به اشکال سنتی تا حدودی کاسته شده است و اکنون در ابعاد محدودتری نسبت به گذشته، حضور شیوه‌های جدیدی از مشارکت در فضاهای روستایی مشاهده می‌شود که بنا به شرایط زمانی شکل گرفته است. یکی از این زمینه‌های نوظهور، اشتراک در کاربست منابع مالی به منظور حصول عایدات جمعی است که با توسعه نهادها و سازمان‌های مالی و گسترش حیطه‌ی فعالیت آن‌ها در جوامع روستایی شکل گرفته است. این شیوه‌ها برعکس جنبه‌های اولیه مشارکتی که به صورت خودانگیخته بودند کاملاً جنبه اکتسابی دارند، یعنی به طور مستقیم تابعی از میزان اطلاع، سطح آگاهی‌های روستاییان و حضور پررنگ نهادهای خدماتی مالی در فضاهای روستایی است. همانطور که بیان گردید، بحث مشارکت اکتسابی با سطح آگاهی و آموزش رابطه مستقیمی دارد که به دلیل عدم ارائه آگاهی هدفمند در ارتباط با زمینه‌های مشارکت در مسائل مالی ترس از ریسک

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1225602.1392.1.3.2.2]

سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اشتراکی، عدم وجود اعتماد لازم طرفین، عدم تناسب رقم اعتبار با فعالیت اقتصادی مورد نیاز، عدم آگاهی از زمینه‌های کاربست مشترک و عدم توانایی اتخاذ تصمیم واحد در زمینه کاربست در حد پائینی می‌باشد.

علی‌رغم نادیده گرفتن زنان روستایی به عنوان جمعیت شاغل، شواهد گویای این هستند که سطح مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی بیش از جامعه شهری است و عدم توانایی ارائه آمار دقیق در این خصوص به دلایلی مانند مسائل فرهنگی و در مواردی عدم تعریف روشنی برای جمعیت شاغل می‌باشد. ماهیت زندگی روستایی باعث شده است که علاوه بر وظایف خانه‌داری و مراقبت از فرزندان، زنان به طور مستمر در فعالیت‌های کشاورزی فصلی حضور داشته باشند. شواهد تجربی ارائه خدمات مالی به زنان روستایی بیان کننده این است که به دلیل فرصت‌های محدود برای این قشر از حداقل فرصت‌های به وجود آمده بیش‌ترین استفاده ممکن را حصول می‌نمایند و امکان تجدید فرصت‌ها را به حداکثر ممکن افزایش می‌دهند. به این دلیل نتایج واگذاری خدمات مالی در ارتباط با زنان با کشورهایی مانند بنگلادش با موفقیت چشمگیری همراه بوده است و در مواردی تا ۹۸درصد وام‌های دریافتی در موعد مقرر مجدداً بازگشت داده شده‌اند. در این پژوهش مسائل اجتماعی و فرهنگی به عنوان اصلی‌ترین موانع عدم شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی مطرح می‌باشند. نتایج آزمون آماری داده‌های استخراج شده حاکی از آن است که سطح مشارکت اجتماعی در خصوص تسهیلات و کاربست مشترک آن‌ها با Asymp. Sig. (2-tailed)= .009 در سه ناحیه مورد بررسی در حد قابل قبولی نمی‌باشد، با این وجود همان‌طور که در شکل ذیل مشاهده می‌گردد، مقایسه بین‌گروهی نشان می‌دهد که میزان مشارکت در نواحی جنوبی و شمالی استان نسبت به ناحیه میانی بیشتر است. با توجه به این‌که یکی از اصول اولیه تأثیرگذاری اعتبارات در روند توسعه روستایی تقویت مشارکت‌های اجتماعی است، اجرای برنامه‌ها مرتبط در این زمینه به عنوان یکی از اصول شناخته شده است. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که سطح توسعه‌ی ناحیه میانی که بیش‌تر مشتمل بر روستاهای شهرستان ارومیه می‌باشد روستاییان این حوزه را بی‌نیاز از توسعه مشارکت‌های اجتماعی نموده است، حال این‌که در بخش‌های شمالی و جنوبی که سطح توسعه پایین‌تر است، توسعه مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یکی از اهرم‌های بقای زندگی مطرح می‌باشد. با توجه به زمینه‌ای اجتماعی، کاربست مشترک اعتبارات و کسب منافع جمعی در این نواحی واگذاری این اعتبارات می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تغییر شرایط نامطلوب اقتصادی روستاییان مطرح گردد.

نتایج آزمون آماری داده‌های استخراج شده حاکی از آن است که سطح مشارکت اجتماعی در خصوص تسهیلات و کاربست مشترک آن‌ها با Asymp. Sig. (2-tailed)= .009 در سه ناحیه مورد بررسی در حد قابل قبولی نمی‌باشد با این وجود همان‌طور که در شکل ذیل مشاهده می‌گردد، مقایسه بین‌گروهی نشان می‌دهد که میزان مشارکت در نواحی جنوبی و شمالی استان نسبت به ناحیه میانی بیشتر است.

جدول شماره ۶ – میزان معنی‌داری شاخص‌های اجتماعی در سه ناحیه مورد بررسی

بخش جنوبی			
Sig. (2-tailed)= .023	Mean=2.7460	Std.Deviation=1.09760	Std. Error Mean= .10976
بخش میانی			
Sig. (2-tailed)= .002a	Mean=2.6080	Std.Deviation=1.18131	Std. Error Mean=.0
بخش شمالی			
Sig. (2-tailed)= .008	Mean=2.6760	Std.Deviation =1.20228	Std. Error Mean=.12023

با توجه به این‌که یکی از اصول اولیه تأثیرگذاری اعتبارات در روند توسعه روستایی تقویت مشارکت‌های اجتماعی است، اجرای برنامه‌ها مرتبط در این زمینه به عنوان یکی از اصول شناخته شده است. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که سطح توسعه‌ی ناحیه میانی که بیشتر مشتمل بر روستاهای شهرستان ارومیه می‌باشد روستاییان این حوزه را بی‌نیاز از توسعه مشارکت‌های اجتماعی نموده است، حال این‌که در بخش‌های شمالی و جنوبی که سطح توسعه پایین‌تر است، توسعه مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یکی از اهرم‌های بقای زندگی مطرح می‌باشد. با توجه به زمینه‌ای اجتماعی، کاربست مشترک اعتبارات و کسب منافع جمعی در این نواحی واگذاری این اعتبارات می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تغییر شرایط نامطلوب اقتصادی روستاییان مطرح گردد.

جدول شماره (۷): ماتریس SWOT در ارتباط با ویژگی‌های اجتماعی

محیط درونی		محیط بیرونی	
نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدها

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1392.1.3.2.2]

– ارتقای میانگین سطح سواد به عنوان یکی از زمینه‌های مفید – روند مهاجرتی پائین تر از میانگین کشوری – درصد مشارکت اقتصادی بالاتر از میانگین کشوری – نگرش مثبت به تسهیلات مالی و لحاظ کردن آن به عنوان یکی از حقوق خود – اعتماد به شوراهای اسلامی روستا – همکاری و همیاری جمعی اعضای خانواده در فرایند بازپرداخت تسهیلات، – توسعه مشارکت اجتماعی روستاییان و ارزشمندی از تسهیلات مالی دریافتی	– عدم آگاهی از حقوق و وظایف در ارتباط با تسهیلات مالی – بی اطلاعی و ضعف آموزش روستاییان در ارتباط با تصمیمات دولتی و مصوبات مجلس در خصوص مسائل مالی روستایی – ضعف نهادهای مالی فعالی در عرصه اقتصاد روستایی از ارائه‌ی اطلاعات و آموزش‌های لازم به روستاییان – تمایل به ماندگاری (عدم مهاجرت)در روستا در صورت مهیا بودن شرایط کار – مشارکت ضعیف در کاربست مشترک تسهیلات دریافتی – تضعیف زمینه‌ی همکاری‌های سنتی و بومی در فرایند استفاده از تسهیلات – مشکلات فرهنگی فراروی زنان روستایی به منظور دریافت تسهیلات مالی – ریسک سرمایه گذاری در فعالیت‌های اشتراکی	– برنامه‌ریزی کلان کشوری برای ارتقای سطح سواد و اگاهی روستاییان به ویژه طی دو دهه اخیر	– عدم تعریف نظام پرداخت تسهیلات به منظور بهبود شرایط اجتماعی روستاها از سوی بانک‌های عامل در ایران – عدم جهت‌دهی به تأثیرات تسهیلات دریافتی در بهبود سرمایه‌های انسانی، مانند وضعیت آموزش فرزندان و غیره از سوی بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری – عدم وجود برنامه‌های توسعه مشارکت اقتصادی زنان روستایی به منظور دریافت تسهلات مالی

در پایان می‌توان پیشنهاداتی را نیز به شرح ذیل ارائه نمود:

- ورود به حیطه مسائل اجتماعی و جهت‌دهی بخشی تسهیلات مالی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی؛
- اجرای برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت به منظور آشنایی روستاییان با وظایف و مسئولیت‌های بانک‌ها و مؤسسات ارائه خدمات مالی به روستاییان؛
- استفاده از پتانسیل‌های مشارکت‌های بومی به عنوان سرمایه اجتماعی در کاربست مشارکتی تسهیلات مالی؛
- اجرای برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت برای ارتقای آگاهی از حقوق افراد در زمینه مسائل مالی و اعتباری؛
- ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی در خصوص زمینه‌ها، نقش و اهمیت حضور بانوان در مسائل مالی و اعتباری؛
- توسعه برنامه‌های اعتباری در ارتباط با زنان روستایی؛
- بازنگری اساسی در قوانین موجود واگذاری اعتبارات، متناسب با شرایط موجود به خصوص با اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از دیگر پیشنهادهای مطرح شده در بخش قانونی می‌باشد؛
- بالابردن سطح آگاهی و اطلاع روستاییان از حقوق خود در ارتباط با سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات مالی یکی دیگر از مواردی است که به فراموشی سپرده شده است و در کل موجبات ایجاد صدمات زیادی به منابع مالی روستاییان شده است؛
- لحاظ کردن رویکرد توانمندسازی با استفاده از ابزارهای مالی در شرح خدمات و وظایف سازمان‌های مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی به روستاییان؛
- بازبینی در شرح وظایف و مسئولیت‌های اصلی بانک کشاورزی به خصوص در بخش توسعه روستایی و کشاورزی و ایجاد زمینه‌های حضور و مشارکت در امور اجتماعی؛ و
- ایجاد تمهیدات قانونی لازم به منظور برگشت بهره ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها به امور عمران روستایی و ایجاد زمینه‌های جدید.

فهرست مراجع

۱. آسایش حسین، مشیری سیدرحیم، (۱۳۸۱)، "روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا"، قومس، رقعی (شومیز) ، چاپ ۱، صفحه ۵۹، تهران

2. Ahollis, (2005), *"Microfinance and Famine"*, The Irish Loan Funds during the Great Famine Department of Economics University of Calgary University.Dr.NW, Calgary, AB,T2N 1N4, Canada, pp220-403.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1225602.1392.1.3.2.2]

3. Daley Harris.S, (2002), *"Pathways Out of Poverty, Innovations in Microfinance for the Poorest Families"*, Bloomfield. CT Kumarian Press.p13.
4. Jauqette, "Women and Modernization Theory: A Decade of Feminist Criticism," World Politics, 34(1): 14-26; A. Bandarage, "Women in Development: Liberalism, Marxism and Marxist-Feminism," Development and Change, 15(3): 495-515
5. Morduch, Jonathan, (1999), *"The Microfinance Promise",* Journal of Economic Literature,37, 1569-1614. p15.
6. Pischke, J. S. (1991). *The effect of social security on labor supply: A cohort analysis of the notch generation* (No. w3699). National Bureau of Economic Research.
7. Sapovadia, V, (2006),"Micro finance: The pillars of a tool to socio-economic development. *Micro Finance: The Pillars of a Tool to Socio-Economic Development. Development Gateway*", 12(1): 49-51.
8. Spooner, B. S., & Wessells, N. K. (1971). Ultrastructure and function of growth cones and axons of cultured nerve cells. The Journal of cell biology, 49(3), 614-635.
9. Yunus, M. (2003), *"Expanding Microcredit Outreach to Reach the Millennium Development Goals",* International Seminar on Attacking Poverty with Microcredit, Dhaka, Bangladesh.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1392.1.3.2.2]